

« آموزش و پرورش فراگیر »

دکتر علاء طلوئی

اجتماعی، احساسی و زبانی و بطور کلی تفاوت‌های گروهی یاری رسانند. مدارس فراگیر و یکپارچه باید برای آموزش موفقیت آمیز همه کودکان از جمله افرادی که معلولیت‌های جدی دارند و یا از محرومیت رنج می‌برند روشهایی را بیابند.

بر اساس این ایده، همه کودکان می‌توانند یاد بگیرند و همه آنها به شکلی از پشتیبانی و حمایت در یادگیری نیاز دارند و از طرف دیگر این آموزش وسیعتر از آموزش رسمی است و خانه، جامعه و دیگر فرصتها برای آموزش خارج از مدارس را در بر می‌گیرد. این آموزش معتقد است که کودکانی که در کنار هم یاد می‌گیرند، زندگی کردن در کنار یکدیگر را هم می‌آموزند.

در بیانیه سالامانکا که مورد تأکید ۹۲ کشور در ژوئن ۱۹۹۴ در اسپانیا قرار گرفت، آمده است که تحصیل حق اولیه، اساسی و طبیعی هر کودکی است و باید به او فرصت داده شود که خود را از نظر یادگیری به سطح قابل قبولی برساند.

هر کودکی ویژگی‌ها، علایق، توانایی‌ها و نیازهای آموزشی منحصر به فردی دارد و نظامهای آموزشی باید با توجه به تفاوت عمده این ویژگی‌ها و نیازها طراحی شود.

کودکان با نیازهای ویژه باید بتوانند به مدارس عادی دسترسی داشته باشند که در آنها با توجه به آموزش کودک محوری، نیازهای آنان برآورده می‌شود.

بنابراین دولتها متعهد و موظف شده‌اند که در سیاست گذاری‌های خود بالاترین اولویت و بیشترین بودجه را به نظام آموزشی خود اختصاص دهند به نحوی که این نظام بتواند همه کودکان را بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و مشکلات فردی در برگرد و همچنین دولت‌ها باید ضمن اتخاذ روش آموزش و پرورش فراگیر، مشارکت والدین، جوامع ملی و انجمن‌های مرتبط با معلولان را در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی جلب نمایند و برنامه‌های آموزشی معلمان را در نظر بگیرند. با این تأکیدات بود که رویکرد آموزش فراگیر در بسیاری از کشورها و بویژه کشور ما مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در این زمینه انجام شده است و امید می‌رود با به ثمر نشستن این اقدامات شاهد تغییر، رشد و پیشرفت چشمگیری در نظام آموزشی خود باشیم.

تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مهمترین نهاد‌های یک جامعه مطرح بوده و می‌تواند موجبات رشد همه جانبه افراد را فراهم آورد. به طور کلی پرورش استعداد‌های فردی و تحکیم پایه‌های زندگی جمعی و ایجاد تفاهم میان افراد انسانی در سایه تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد. رشد و توسعه نظام‌های آموزش و پرورش یکی از وجوه مشخص و بارز جوامع پیشرفته محسوب می‌شود. بکارگیری روشها و الگو‌هایی که برای توسعه آموزش و پرورش مورد استفاده بوده‌اند می‌تواند در رشد و توسعه هر جامعه مفید واقع شود.

از سال ۱۹۹۰ میلادی یونسکو با ایده "آموزش برای همه" کشورها را نسبت به انجام اصلاحات آموزشی و رشد و توسعه نظام‌های تعلیم و تربیت خود فراخواند. هدف از این اصلاحات، بهبود کیفیت در محیط‌های آموزشی و در عملکرد دانش‌آموزان بود. بر این اساس، تغییر و تحول در نظام‌های آموزشی بعنوان یک ضرورت و زمینه‌ساز اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطرح بوده و در صدد آن است تا شرایطی را فراهم آورد که دانش‌آموزان صلاحیت سازگاری در جامعه را کسب کرده و بعنوان عضو مؤثری مطرح باشند تا بتوانند در جهت رشد و شکوفایی خود و جامعه قدم بردارند. یکی از رویکردهای جدید در جهت این اصلاحات و رشد و پیشرفت نظام‌های آموزشی، رویکرد آموزش و پرورش فراگیر است. این طرز تفکر و تلقی نسبت به مقوله آموزش و پرورش از دهه‌های گذشته مطرح شده ولی با بیانیه نهضت جهانی "آموزش برای همه" در سال ۱۹۹۰ میلادی قوت گرفت و به دنبال آن با تأکید بیانیه سالامانکا، بعنوان یک رویکرد و چهارچوب عملی آموزشی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت.

آموزش فراگیر رویکردی است به سوی بهره‌مند ساختن تمامی افراد جامعه از آموزش و پرورش پایه یا عمومی، یعنی آن حد از آموزش و پرورش که برای تبدیل شدن افراد به شهروندانی فعال و مؤثر مورد نیاز است. بر اساس این رویکرد دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس عادی جایدهی شده و با بهره‌گیری از برنامه‌های درسی مشترک و تهیه انطباق‌های محیطی و برنامه درسی پشتیبانی معلم رابط (مرجع) به تحصیل می‌پردازند. در این روش مدارس عادی باید به همه کودکان صرف نظر از شرایط جسمی، هوشی،